





معاونت آموزش متوسطه

کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه

نگارش پایه هفتم

درس چهارم (کوچک تر کردن موضوع)

مدرسین: لیلا پورولی، سحر یوسفی و پریسا عزیزی

با نظارت علمی سرگروه آموزشی آقای ولی کیانی پور

سال تحصیلی:

۱۳۹۹ - ۱۴۰۰

کوچک تر کردن موضوع

معلم، درس چهارم نگارش را بدون مقدمه شروع کرد و گفت: این درس، ادامه درس قبلی شماست؛ البته با آن تفاوت هایی دارد. در درس گذشته، یک موضوع بزرگ و کلی را کوچکتر می کردیم و هر قسمت از آن را در بخشی از نوشته خود می آوردیم. در این درس، بر اساس ذوق و اطلاعات خودمان، یکی از آن تگه های کوچک شده را برمی گزینیم و درباره آن می نویسیم. مثلاً موضوع «روستا» یک موضوع کلی است و اگر آن را به اجزایی کوچکتر خرد کنیم؛ به موضوع های زیر تقسیم می شود: آب و هوای روستا، آداب و رسوم مردم روستا، مشاغل روستایی، نوع پوشش روستائیان، صبح روستا و ...

روستا، چه نام قشنگی! این نام دل‌نشین، خاطره‌ها و خیال‌هایی را برمی‌انگیزد که یاد آنها همچون چشمه، پیوسته جاری و زلال است. روستا چیزهای زیادی دارد که می‌توان درباره‌ی هر یک از آنها بسیار گفت و نوشت. چشمه‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، درّه‌ها، کشتزارها، مرغ‌ها و خروس‌ها، برّه‌ها و گوسفندها، اسب‌ها، گاوها، گربه‌ها، سگ‌ها و خلاصه، آسمان زیبا و مزرعه‌های رنگارنگش و هزارویک چیز از صفا و سادگی و صمیمیت مردمانش.

اما من در اینجا از قوقولی‌های خروس سحری می‌گویم؛ پرنده‌ای آسمانی که آمدن روشنایی را زودتر از همه، درک می‌کند و مژده رسیدن خورشید را به همگان می‌دهد. بانگ خروس در سحرگاهان روستا، تنها صدای بیدارباشی است که مردم روستا را به بیداری و نماز فرامی‌خواند. در روستا همه چیز، نشان از کوشش و تلاش دارد. قوقولی‌قوقوی بامدادی خروس، هم زنگ اذان است و هم آغاز یک روز کار و تلاش خستگی‌ناپذیر. آبادانی ایران، به همین کوشندگی کارگران و کشاورزان و خرّمی دشت و طبیعت روستاها وابسته است.

خروس، پیک سحری است. روستانشینان سحرخیزانی هستند که پیش از خورشید، طلوع می‌کنند و با تلاش خود، به زندگی، گرمی و گوارایی می‌بخشند.



حالا من خودم که کودکیم در روستا گذشته است و صبح روستا و قوقولی قوقوی خروس های روستا را دوست دارم، از میان موضوع های خرد شده، **صبح روستا** را انتخاب کرده ام و درباره آن چنین نوشته ام:



حالا از شما می‌خواهم با من، قدم به قدم پیش بیایید.

- ❖ یک موضوع کلی را انتخاب کنید.
- ❖ آن را در ذهنتان به موضوع های کوچک تری تقسیم کنید.
- ❖ اکنون ببینید به کدام موضوع، علاقه بیشتری دارید و اطلاعاتتان درباره کدام موضوع بیشتر است.
- ❖ با توجه به علاقه و اطلاعات خود یکی از موضوع های کوچک را برگزینید.
- ❖ یک بار دیگر طبقه بندی نوشته (بخش آغازین، بخش میانی و بخش پایانی) را در نظر بگیرید.
- ❖ پس از این مراحل، قلم را بردارید و نوشتن را آغاز کنید.



♦ نوشته زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع: نوروز

بخش آغازین نوروز؛ یعنی روز تو، روزگار تو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

طبیعت بهار درختان از نو، شکوفه و برگ می‌کنند و از نومیوه می‌دهند. چشمه‌های زیادی از کوه، سرازیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.
تازگی شدن در نوروز، همه سعی می‌کنند، نو و تازه‌تر به نظر بیایند. خانه نو، لباس نو، پول کارهای مادر برای استقبال تو، برگ و شکوفه تو، زندگی نو و ...
از بهار مامان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند و همه چیز را برق می‌اندازد.

کارهای پدر برای استقبال پایا هم دست به نوآوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک باغچه را عوض می‌کند و یکی دو تا نهال یا گل رُز هم می‌کارد.
بچه‌ها در نوروز بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشند؛ از بزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جاهای نو و تازه را می‌بینند.

بخش پایانی راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید!»
شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه‌تکانی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

موضوع:

متن تولید شده دانش آموز

سنجه های ارزشیابی:

✓ پیشنهادی؛

✓ کوچک کردن موضوع نوشته؛

✓ رعایت طبقه بندی ذهن و نوشته
(بخش آغازین، بخش میانی و
بخش پایانی)؛

✓ پیراسته نویسی (رعایت
نشانه های نگارشی، نداشتن غلط
املائی، توجه به درست نویسی،
حاشیه گذاری)؛
✓ شیوه خواندن.

یکی از موضوع های کلی رو به رو را
انتخاب کنید. آن را به ریزموضوع هایی
تقسیم کنید و درباره یکی از این
ریزموضوع ها، متنی بنویسید.

درست نویسی

♦ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زبانم مو در آورد».

♦ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم».

جمله ردیف اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «به قول معروف» یک سخن معروف و شناخته شده‌ای قرار گرفته است؛ اما در جمله ردیف دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشته‌ای عبارت «به قول معروف» را به کار ببریم، باید پس از آن حتماً سخن معروف، بیتی مشهور، مثلی رایج و... ذکر کنیم مانند:

♦ برای آمدن تو آن قدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف سبز شد.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ وقتی دو مبصر در یک کلاس باشند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

وقتی دو مبصر در یک کلاس باشند به قول معروف «دو پادشاه در اقلیمی نگنجد».

♦ از بس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

از بس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف «کاسه صبر همه لبریز شد».

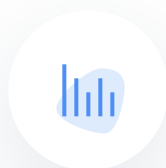
♦ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آنها بیندیشید و هر یک را در نوشته‌ای جداگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشته‌های شما تشخیص دوستانتان است. یعنی زمانی که نوشته‌هایتان را در کلاس می‌خوانید، آنها باید تشخیص دهند هر نوشته مربوط به کدام تصویر است.





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد